

شهرزاد

هفته‌نامه بخاری

شماره دوازدهم - جمعه ۲۴ شهریور ۱۳۹۶



یادداشت اختصاصی حمید فرخ نژاد

گفتگو با عوامل: امیر توسلی

با مردم از دایي جان ناپلئون تا شهرزاد

مژده لوسانی: شهرزاد، مجموعه‌ای از بهترین‌ها

هفته‌نامه مجازی شهرزاد

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی سریال شهرزاد)

سر دبیر: سید محمد صادق لواسانی

تحریریه: سپیده حیدر آبادی، شراره داودی و پریسا چیندزی
باسپاس از مسعود رفیع زاده، عرفان بهکار و مزده لواسانی

طراح گرافیک: علی شکوری

عکس: نوشین جعفری

عکس جلد: محمد اسماعیلی

شهرزاد در فضای مجازی:

سایت رسمی: www.shahrazadseries.com

تماشای آنلاین و قانونی: www.lotusplay.ir

اینستاگرام: [instagram.com/shahrazadseries](https://www.instagram.com/shahrazadseries)

کانال تلگرام: <http://telegram.me/shahrazadseason2>

هفته‌نامه مجازی شهرزاد را هر جمعه از کانال تلگرامی و سایت سریال دریافت کنید.

درج مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

سوالات از عوامل سریال و همچنین نظرات خود را به آدرس تلگرامی [@ShahrazadContact](https://t.me/ShahrazadContact) ارسال کنید



فهرست

۳ یادداشت: حمید فرخ نژاد

۴ خبر

۵ بازار تاب

۶ گفت‌وگو با عوامل: امیر توسلی

۱۰ فضای مجازی

۱۴ از نگاه منتقد: عباس جهانگیریان

۱۸ کامنت: دماوندی‌ها و دیوانسالارهای درون ما

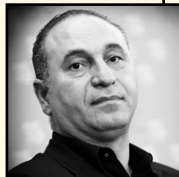
۲۰ ذره بین: مجموعه‌ای از بهترین‌ها

۲۲ عکس نوشت: قسمت دوازدهم

۲۴ مخاطب خاص: معلمان

۲۸ با اهالی رسانه: خبرنگاران تئاتر

۳۲ قلب آینده: قسمت سیزدهم



سال هاست که همه فعالان حوزه سینما و تلویزیون به دنبال راهی برای افزایش مخاطب محصولات فرهنگی ایرانی هستند، مخاطبی که با گسترش ارتباطات اینترنتی، هر روز راحت تر و کم هزینه تر به محصولات روز دنیا دسترسی دارد؛ آن هم نه محصولاتی که تولید کنندگانش هر روز به یک بهانه دست بسته تر عمل کنند. مخاطب حق دارد که بهترین ها را تماشا کند. کسی نمی تواند توقع داشته باشد که او به انتظار بنشیند تا مدیران فرهنگی وقتی کار از کار گذشته، فکر چاره کنند! نمونه حاضر و ظاهرش هم وضعیت تلویزیون ملی خودمان است.

تمام بالا و پایین هایش، ابتدا موفقیت برای سرمایه‌ای است که توانسته به واسطه تولید یک محصول فرهنگی سالم، مخاطبان بسیاری از بین مردم بدست بیاورد. مهمترین نکته‌ای که باید درباره «شهرزاد» به آن اشاره کرد، شور و اشتیاقی است منجر به تولید محصولی شده که هم موجب رونق شبکه نمایش خانگی است و هم به مخاطب احترام می‌گذارد. از نظر من، همین احترام به مخاطب است که باعث شده است «شهرزاد» بتواند تا این حد جای پای خود را در بین اعضای خانواده‌ها پیدا کرده و از فصلی به فصل دیگر، اکثر مخاطبانش را حفظ کند. همین استقبال سبب می‌شود که بخش خصوصی بتواند با خیالی آسوده‌تر، برای تولید محصولی بهتر هزینه کند و بازیگران و عوامل حرفه‌ای



شهرزاد؛ سنگ محک سرمایه‌گذار و هنرمند

سینما و تلویزیون هم بار غبت برای کارآفرینی بگذارند. با تمام این احوال، نباید فراموش کرد که «شهرزاد» دست‌نخورده خوش عطر و بوی حسن فتوحی است که قبلا نشان داده تبحر و ویژه‌ای برای در دست گرفتن نبض مخاطب دارد. اوست که فیلمنامه را با کمک نغمه ثمینی سرو و شکل می‌دهد، بازیگران طراز اول را کنار هم می‌چیند و عوامل را به خط می‌کشد تا اثر نهایی، قسمت به قسمت به آنچه باید، نزدیک‌تر شود.

«شهرزاد» یک غنیمت است چون می‌تواند سنگ محک بسیار خوبی باشد، هم برای سرمایه‌گذاری که علاقمند به حوزه فرهنگ است و هم برای هنرمندی که باید بداند اگر در آماده کردن محصول کم‌فروشی نکند، می‌تواند درها قسمت دیده شود.

۱۰-۱۵ سال قبل تنها دغدغه مدیران وقت یکی دو شبکه خبری فارسی زبان بود و چند شبکه زیرتی دیگر که خیلی به حساب نمی‌آمدند آن زمان کسی به فکر چاره نبود و امروز که تلویزیون بافت مخاطب جدی رو بر و شده است، در این باب، کنفرانس‌ها و همایش‌ها و نشست‌ها پرگزار می‌شود! همانند که برای بسیاری از مدعوین، همان پذیرایی بعد از جلسه جدی‌تر از خود بحث است، که اگر نبود، قطعا امروز شاهد اتفاقات دیگری در این شرایط حساس تلویزیون بودیم!

در این وانفسا که اعمال سلیقه‌های شخصی در حوزه تولید فیلم و سریال، از شدت وضوح، دیگر نیاز به اندک اثباتی هم ندارد، سرمایه‌ای که می‌توانست هر جای دیگر باشد، سراغ یکی از خلاق‌ترین کارگردانانی رفته است که چند شاهکار در سال‌های گذشته خلق کرده است. به نظر من «شهرزاد» با

تبریک شهرزادی‌ها به مناسبت روز ملی سینما

عوامل تولید سریال «شهرزاد» در پیامی، ۲۱ شهریورماه و روز ملی سینما را به سینمادوستان تبریک گفتند. در متن این پیام آمده است:

«سینما، امروز ۱۱۷ سالگی خود را جشن می‌گیرد. مرسوم است که روز ملی سینما را به سینماگران تبریک می‌گویند اما بی‌راه نیست اگر این روز ملی را به مخاطبان سینمای ایران تبریک بگوییم؛ همان مخاطبانی که در هجوم فیلم‌های خارجی، هنوز از سینمای نجیب این کشور حمایت می‌کنند.

روز سینمای تان مبارک عزیزان فرهنگ‌دوست.»

تقدیر حسن فتحی از کیانوش عیاری

کارگردان سریال «شهرزاد» در مراسم نکوداشت جشن سینمای ایران که شامگاه نوزدهم شهریورماه برگزار شد، در برز گذاشت کیانوش عیاری و خطاب به او گفت: «من به نمایندگی از نسل خودم از شما تشکر می‌کنم که دوری از تکلف را به ما آموختید. شما آموزگار خوبی برای نسل ما بودید. شما الگوی بسیار مناسبی برای سینماگران ایران می‌توانید باشید و امیدوارم فیلم‌های دیگر شما هم به نمایش درآید تا با بخش دیگری از هنر شما آشنا شویم.»

معرفی برندگان مسابقه هفته سوم



مسابقه هفته سوم بهترین چیدمان با جلد شهرزاد، بهترین عکس نوشت و یا بهترین طراحی سریال برگزار شد. مسابقه هفته سوم نیز مانند دو هفته گذشته با استقبال مواجه شد و برندگان آن نیز، به مسابقه جایزه بزرگ شهرزاد که پس از پایان سریال برگزار می‌شود، راه پیدا کردند.

تاکنون ۱۸ اثر به مسابقه هفته سوم شهرزاد راه پیدا کرده‌اند. مسابقه هفته چهارم شهرزاد نیز آغاز شده است و علاقمندان می‌توانند تصاویر خلافتان خود را با هشتگ «#شهرزاد» در اینستاگرام منتشر و صفحه رسمی سریال به آدرس [shahzadseries](https://www.instagram.com/shahzadseries) رتگ کنند.

از تبریک روز سینما تا نگاه ۱۰ منتقد برجسته به شهرزاد

● گزارش با عنوان «شهرزاد از نگاه ۱۰ منتقد سینما» در روزهای اخیر در رسانه‌هایی مانند آنا، ایلنا، سوره سینما، ایران آنلاین، میزان، ایسکانیوز، پانا، خبرگزاری صبا و تحریرنو منتشر شد. در این گزارش، ۱۰ منتقد نام آشنا درباره وجوه مختلف فصل دوم سریال و ویژگی‌های آن، مطالبی را به رشته تحریر در آوردند. منتقدان همچنین در این نوشتار، نیم نگاهی نیز به آثار قبلی حسن فتوحی داشتند.

● کانال پربازدید آخرین خبر به مناسبت عرضه قسمت دوازدهم سریال، نقدی با عنوان «عشق فرهاد و شهرزاد در گلوگاه شک و تردید جان سالم به در می برد؟» را منتشر کرده است.

● یادداشت تهمینه میلانی کارگردان مطرح سینمای ایران که در شماره یازدهم هفته‌نامه منتشر شده بود نیز در فضای مجازی، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری انعکاس خوبی داشت.

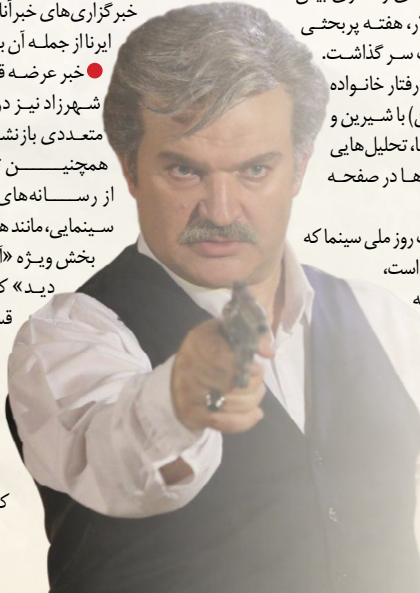
● گفت‌وگو با عبدا... اسکندری مدیر چهره پردازی سریال نیز از دیگر مطالب شمارهای قبلی هفته‌نامه بود که در رسانه‌های مختلف باز نشر داده شد.

● مانند هفته‌های گذشته، عکس‌هایی از قسمت جدید مجموعه در رسانه‌های مختلف منتشر شد که خبرگزاری‌های ایران‌لاین، میزان و ایرنا از جمله آن بودند.

● خبر عرضه قسمت جدید شهرزاد نیز در رسانه‌های متعددی باز نشر داشت. همچنین تعدادی از رسانه‌های پرمخاطب سینمایی، مانند هفته‌های قبل، بخش ویژه «آنچه خواهید دید» که درباره قسمت آینده سریال است را به صورت خودجوش منتشر کردند!

● سریال «شهرزاد» در چند روز گذشته به واسطه پخش قسمت دوازدهم و نزدیک شدن به پایان فصل دوم و همچنین تقابلهای رفتاری بین خانواده دماوندی و دیوان سالار، هفته پربحثی را در شبکه‌های اجتماعی پشت سر گذاشت. مخاطبان بسیاری درباره نوع رفتار خانواده دماوندی (مخصوصاً هاشم‌خان) با شیرین و همچنین حواشی پیرامون آن‌ها، تحلیل‌هایی ارائه داده‌اند که تعدادی از آن‌ها در صفحه کامنت آورده شده است.

● تبریک شهرزادی‌ها به مناسبت روز ملی سینما که متن آن در صفحه خبر منتشر شده است، از جمله خبرهای رسمی این هفته سریال بود که در کانال‌های تلگرامی مرتبط با سینما بازتاب قابل توجهی داشت. همچنین خبرگزاری‌های میزان، ایلنا و ایرنا نیز این تبریک را منتشر کردند.



گفت و گو با امیر توسلی، آهنگساز؛

فضای شخصیت‌های شهرزاد، تم اصلی موسیقی آن است



◀ سراره داودی

موسیقی از آن دست هنرهایی است که حتی اگر علاقه مجزایی به آن نداشته باشید، در فیلم‌ها و سریال‌های روزانه حمای موسیقی را می‌شنوید، با این تفاوت که این موسیقی در ناخودآگاه شما می‌نشیند و در برانگیخته شدن احساسات نسبت به سکانس موثر است.

امیر توسلی آهنگساز مجموعه «شهرزاد» متولد سال ۵۲ است، پدرش مرشد زور خانه بوده و هست و برادرش هم پیانو می‌زند. او پیانو را نزد برادر یاد می‌گیرد و در مسیری که خودش انتخاب نکرده راهش به آهنگسازی کشیده می‌شود و این استعداد نهفته با کار کردن خودش را بیشتر نشان می‌دهد. حالا نام امیر توسلی را در فیلم‌ها و سریال‌های زیادی می‌توان دید که هر کدام تم و فضای خودشان را دارند و این یعنی توسلی خودش را محدود به فضای خاص موسیقیایی نکرده است. با او درباره موسیقی و شهرزاد به صحبت نشستیم.



متولد شدن در خانواده‌ای که موسیقی در آن جای خودش را دارد، می‌تواند در علاقه فرد موثر باشد یا تنها به دلیل عادت از شنیدن به سمت موسیقی کشیده می‌شوند؟

البته بالعکس آن هم وجود دارد، من کسی را می‌شناسم که با وجود اینکه در خانواده موسیقایی متولد شده، از موسیقی تنفر دارد و دلیل آن هر چیزی هم می‌تواند باشد. ولی اصولاً در خانواده‌ای که پدر و مادر یا دیگر اعضا موسیقی‌باز باشند، هم در ناخودآگاه و هم در ژن فرد موثر خواهد بود.

بسیار شنیده‌ایم که در موسیقی از عبارت «گوش موسیقایی» استفاده می‌کنند، منظور از این عبارت دقیقاً چیست؟

یعنی یک چیزی را بشنوید و بتوانید همان را هم اجرا کنید. گوش موسیقی در واقع استعداد موسیقی است.

شما با ساز پیانو موسیقی را شروع کردید، اما امروز چه سازهایی را می‌دانید؟

وقتی آهنگساز می‌شوی، همه سازها را باید به شکل حداقلی بشناسی تا بدانی چه سازی برای چه شکلی از ملودی مناسب است. اگر سازها را نشناسی ممکن است ملودی که برای سنتور مناسب است را فلوت بنویسی.

یعنی بعد از شناخت سازها وارد کار آهنگسازی می‌شوید؟

نه لزوماً، ولی سازها را حتماً می‌شناسی.

آقای توسلی از ابتدا خودتان می‌خواستید که آهنگساز شوید؟

من کاملاً اتفاقی آهنگساز شدم! عکاس بودم و موزیک را هم دوست داشتم و به همراهی دوستانم برای خودمان موزیک می‌زدیم و بدون اینکه برنامه‌ریزی داشته باشیم، رهبری گروه را من بر عهده می‌گرفتم. در همین زمان یکی از دوستان دوستانم در رشته کارگردانی

تحصیل می‌کرد و برای پایان‌نامه‌اش فیلم ساخته بود و آن فیلم موسیقی می‌خواست. دوستم به من گفت که برای فیلم آهنگسازی کنم و با اینکه تا آن روز این کار را انجام نداده بودم، قبول کردم. بعد از تمام شدن این کار، بچه‌های دانشکده‌شان برای ساخت موسیقی پایان‌نامه‌های‌شان صف کشیده بودند! همین روند باعث شد من هم آهنگساز شوم و از طریق یکی از همان بچه‌ها وارد تلویزیون و آهنگسازی سریال شدم و این روند با آهنگسازی در تئاتر و سینما هم ادامه پیدا کرد.

ساز تخصصی شما چیست؟

پیانو و درامز سازهای تخصصی من هستند.

تصور خیلی‌ها ممکن است این باشد که آهنگسازی تنها با ساز پیانو انجام می‌شود، درست است؟

نه! هر آهنگسازی با ساز تخصصی خودش این کار را انجام می‌دهد. اما آهنگ در ذهن آدم شکل می‌گیرد!

یعنی چطور در ذهن شکل می‌گیرد؟

واقعا این پروسه شکل‌گیری موسیقی روندی غیرقابل توضیح دادن است و کاملاً انتزاعی است. چون خودم هم نمی‌دانم چطور یک آهنگ به ذهنم می‌رسد ولی موسیقی در ذهن من شکل می‌گیرد. در کنار آن ساز کمک می‌کند که موسیقی را تکمیل کنیم. یعنی همان چیزی که در ذهن داریم را بشنویم و امکان اصلاح و تغییر داشته باشیم.

بخش کار شما به این شکل است که فیلم یا سریال آماده شده و به دست شما می‌رسد تا برای بخش‌های مختلف آن آهنگسازی کنید؟

بله، اما نحوه اتفاق افتادن موسیقی حالت‌های مختلفی دارد، گاهی با خواندن فیلمنامه تم‌های اصلی را در ذهن می‌سازیم. این روند در مجموعه «شهرزاد» اتفاق افتاد، من روی فیلمنامه برای فضاها یا کاراکترها طراحی تم انجام دادم، یعنی ملودی مشخصی که شناسنامه آن فضا می‌شود. برای مثال در مجموعه ملودی‌های



گفت و گو با عوامل

برخی قسمت‌ها موسیقی خودش را نشان می‌دهد و در بعضی بخش‌ها به شکل نامحسوس مخاطب را با خودش همراه می‌کند.

■ در «شهرزاد» و برای کاراکتر شاپور که آقای کیانیان نقش آن را بازی می‌کنند، تم ملودی «والس شماره دو شوستاکوویچ» را می‌شنویم، استفاده از این تم چطور اتفاق افتاد؟

ما قصد داشتیم فضای پارادو کسبکال به وجود بیاوریم، یعنی برای آدمی که خیلی خشن و آدمکش است، از ملودی آرام استفاده کنیم. این ملودی را می‌توان ساخت یا می‌توان از ملودی‌هایی که برای گوش مردم آشناست، استفاده کرد. در حقیقت مخاطب انتظار ندارد این ملودی را اینجا بشنود! استفاده از این ملودی هم برای شاپور بهبودی یک تصمیم جمعی با آقای فتحی و کیانیان بود که بتوانیم کار متفاوتی را انجام دهیم و این ملودی را به اشکال مختلف برای فضاهای متفاوت ضبط کردیم.

■ آهنگسازی در آثار سینمایی، تلویزیونی و نمایش خانگی با هم

فرق دارند؟

به هر حال فرق‌هایی با هم دارند، در هر مدیومی ساختار موسیقی آن‌ها متفاوت است. البته این تفاوت چیزی نیست که بتوانم توضیح بدهم و بیشتر فنی است و به نحوه استفاده از سازها و ملودی‌ها بر می‌گردد. البته من برای نمایش خانگی فضا را بیشتر به سمت موسیقی سینمایی بردم.

درباره سریال شهرزاد، گونه‌های مختلفی از موسیقی را می‌توانیم بشنویم؛ برای مثال جایی فضایی موسیقی الکترونیک است، جایی به موسیقی پاپ نزدیک می‌شود و در جایی از آن کستر بزرگ استفاده شده است. این‌ها تمهیداتی است که سعی کردم در مجموعه استفاده کنم تا تاثیر بیشتری روی مخاطب داشته باشد و خودم را هم درگیر فرم مشخصی نکردم و هر جایی که احساس کردم باید کاری کنم، آن‌را انجام دادم. البته این کار هم با حفظ

مشخصی میان فرهاد و شهرزاد وجود دارد؛ ملودی برای فضای عاشقانه آن‌ها، ملودی برای فضای پرتلهاب میان آن‌ها. همین روند برای فضاهای میان قباد و شهرزاد یا رابطه‌ای که میان بلیس و هاشم می‌بینیم. در این مجموعه به جز چند مورد مشخص، خیلی وارد تم‌اشخاص نشدم؛ برای مثال شیرین که در فصل دوم موتیف مشخصی دارد و شهرزاد که همان ملودی اصلی تیتراژ مربوط به او می‌شود، مابقی تم‌ها مشخصا برای فضاها هستند.

■ بر اساس تم‌ها، در هر قسمت طراحی می‌کنید که کدام یک باید استفاده شوند؟

در این مرحله تایم گیری می‌کنیم، به این معنی که مشخص می‌کنیم موسیقی در هر سکانس از چه زمانی شروع می‌شود، چه تغییراتی را بر اساس اتفاق‌های صحنه دارد

و در چه نقطه‌ای تمام می‌شود. تم‌هایی که داریم در هر قسمت برای فضای مشخص بازسازی می‌شوند. در این مرحله فراز و فرودهای موسیقی، جای‌گیری آن میان دیالوگ‌ها و بالا و پایین بودن هر بخش را مشخص می‌کنیم و تا انتها با همین روند ادامه می‌دهیم.

■ این تم‌هایی که شما از آن‌ها صحبت می‌کنید را بدون اینکه به آن‌ها توجه کنیم، متوجه نمی‌شویم؛ احساس می‌کنم موسیقی در لحظه تاثیر خودش را می‌گذارد و بعدتر دیگر مخاطب نمی‌تواند به شکل خاص هر کدام را به یاد بیاورد.

دقیقا کار موسیقی فیلم همین است که مخاطب را درگیر کند و این کار را به شکل ناخودآگاه انجام دهد. به هر حال هر سکانس اثرگذاری خودش را دارد، موسیقی هم خلل و فرجی که وجود دارد را پر می‌کند و هم موجب برانگیخته شدن احساسات مخاطب می‌شود؛ یا هیجان را افزایش می‌دهد یا حس دراماتیک می‌دهد. در حقیقت موسیقی تیر خلاص احساسات در سکانس است. البته



در سریالی مانند «شهرزاد» که مخاطب زیادی دارد، برای کار باید پاسخگوی خودت، کارگردان، تهیه‌کننده و همه مردم باشی که این چالش بزرگی است



زنجیره موسیقی کلی مجموعه اتفاق افتاده است.

■ **آقای توسلی شما به عنوان آهنگساز مستقیماً با چه کسی در ارتباط هستید؟**
با کارگردان.

■ **در پیرونده کاری شما همکاری با کارگردان‌های مختلفی را می‌توان دید، از مسعود ده‌نمکی و داود میرباقری تا مازیار میری و سعید سهیلی. این نحوه همکاری با کارگردان‌هایی که فضای مختلفی هم دارند، چطور اتفاق افتاد؟**

من می‌توانم ادعا کنم شاید کسی در ایران به اندازه من در کارش تنوع نداشته است! من سریال شهرزاد با این فضای موسیقی را در کارنامه دارم، در عین حال سریال مختارنامه را با فضای کاملاً متفاوت را هم کار کرده‌ام. در کارنامه‌ام فیلم کم‌دی، عاشقانه، جدی، جنگی و حتی ترسناک را دارم و تقریباً هیچ فضایی نیست که در آن کار نکرده باشم و خوشحالم این توانایی در من بوده که بتوانم در همه فضاها کار کنم و در چند قالب مشخص محدود نمی‌شوم.

■ **اگر بخواهید درباره کاری که از شما انرژی و فکر زیادی گرفته، نام ببرید؛ کدام را می‌گویید؟**
هر کاری و ویژگی‌های خودش را دارد، اما به طور کلی

کارهایی که حجم زیادی از وقت را می‌گیرند، به هر حال سخت‌تر هم هستند و چالشی برای آدم محسوب می‌شود. سریالی مانند شهرزاد که مخاطب زیادی دارد و باید پاسخگوی خودت، کارگردان، تهیه‌کننده و همه مردم باشی، چالش بزرگتری است و من وقتی هر قسمت را تمام می‌کنم، می‌گویم خداروشکر که این قسمت هم تمام شد و توانستم انجام دهم.

■ **در «مختارنامه» هم همین حرف را می‌زدید!**
مختار هم کار سنگینی بود و در ۴۰ قسمت کار کردیم. البته مختار این بار را برای من داشت که توانمندی‌های خودم را بیشتر کشف کنم و بدانم در موقعیت‌های مختلف در کارهای طولانی و پر حجم چطور خودم و کار را مدیریت کنم. در حقیقت آنجا آیدیده‌شدم که حالا در پروژه شهرزاد کار را جلو می‌برم. به هر حال این سریال با توجه به تعدد فضاهایی که دارد، کار سنگینی است و از طرفی باید در مدت زمان کوتاه فضاهای عاشقانه، خیانت، قتل و جنایت را به شکلی که در شان کار باشد حاضر کنیم.

■ **خودتان اگر بخواهید یک موسیقی گوش کنید، چه چیزی را انتخاب می‌کنید؟**

معلوم نیست! من همه‌چیز موزیکی گوش می‌کنم و بستگی به حال لحظه‌ام دارد. در حقیقت علاقه شخصی من موسیقی است و از موسیقی لذت می‌برم.



فضای مجازی

شماره دوازدهم - جمعه ۲۴ شهریور ۱۳۹۶



چیدمان پر از عکس از یک مخاطب



طراحی در ورودی کافه نادری که به عنوان محلی برای دیدار شهزاد و فرهاد در فصل اول شناخته می‌شد



تایستان، شهزاد و بستنی!



طراحی چهره خطرناک از شاپور بهبودی!



عکس زیبایی از مرغ آمین



خط زیبایی یکی از شهزادی‌ها





طراحی زیبایی از قباد دیوان سالار



چیدمانی با آخرین قسمت های شهرزاد



در زمستان گرمم از گرمای تو ای بهاران شادم از آوای تو فصل گرما گرمیش از قلب من در خزان بزمم و می مردم به پیش پای تو #شهرزاد #سریال_شهرزاد #فصل_دوم #سابقه



عکس جالب یک مخاطب با یکی از قسمت های اخیر سریال



چیدمانی با جلد قسمت یازدهم سریال



چیدمان یکی از شهرزادی ها



کمک جوانمردانه ی شهزاد به شیرین، تحسین بر انگیزترین sa.ba51 درسی است که میتوان یاد گرفت و در زندگی به کار برد. چه خوب است مگر همچون شهزاد باشی.

کمک جوانمردانه شهزاد به شیرین، تحسین برانگیزترین درسی است که می توان یادگرفت.



عکس یکی از مخاطبان برای شرکت در مسابقه هفته سوم



قباد دیوان سالار در چیدمان یک مخاطب



به وقت شهزاد دیدن



وقتی خونه عقاب پشه لونه به جوجه کلاغ، تقی به توفی بخوره، صدای قار قارش در میاد



چیدمان جالبی از یک مخاطب





چیدمانی برای شرکت در مسابقه سریال



نقاشی و چیدمانی شهرزادی



طراحی چهره شهاب حسینی در نقش قیام دیوان سالار



چیدمان یک مخاطب با قسمت های مختلف فصل دوم سریال



دکوراسیون اتاق یکی از مخاطبان شهرزاد



فاصله ما هیچوقت دوست داشتن را کمرنگ نمی کنند



با مردم، از دای جان ناپلئون تا شهرزاد

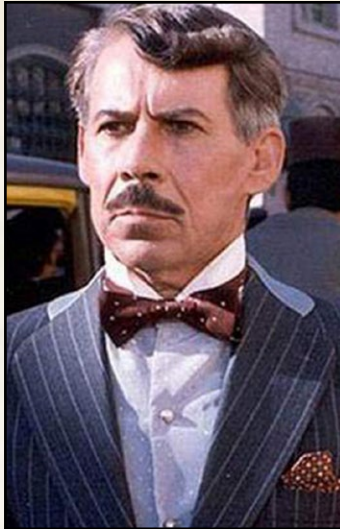


عباس جهانگیریان / نویسنده، منتقد و پژوهشگر

محدودی از این آثار، بخت این را یافته‌اند که در حافظه‌ی جمعی و خاطره‌ی ملی ایرانیان، ماندگار شوند. بنیاد پژوهش و نگارش، فهرستی از آثار برتر سریال‌های تلویزیونی تهیه کرده که این فهرست، منبع و مبنای تألیف کتاب «تاریخ تحلیلی سریال‌های تلویزیونی در ایران» شد که قرار است

در آستانه‌ی شصتمین سال تولد تلویزیون در ایران هستیم. یازدهم مهر ۱۳۳۷ تلویزیون ایران، به همت حبیب‌اله ثابت پاسال، آغاز به کار کرد و در مدیوم تلویزیون، در این حدود ۶ دهه فعالیت، صدها سریال تولید شده اما شمار

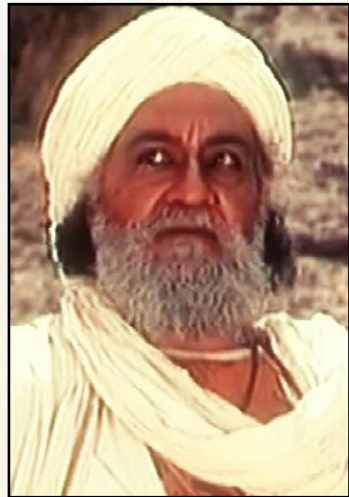




بنیاد پژوهش منتشر کند.

در فهرست سریال‌های برتر تلویزیونی، آتش بدون دود (نادر ابراهیمی)، دایی جان ناپلئون (ناصر تقوایی)، دلبران تنگستان (همایون شهنواز) و سلطان صاحبقران (علی حاتمی) در بخش سریال‌های تلویزیونی قبل از انقلاب، بیش از دیگر آثار توانسته‌اند به ساختار درست هنری و معیارهای مورد نظر کارشناسان بنیاد پژوهش نزدیک شوند. از مجموعه‌های تولید شده‌ی پس از انقلاب، سریال‌های سربه داران (محمدعلی نجفی)، هزاردستان (علی حاتمی)، امام علی (داوود میرباقری)، ابن سینا (کیهان رهگذار)، سلطان و شبان (داریوش فرهنگ)، پدرسالار (اکبر خواجه‌ویی)، آرایشگاه زیبا (مرضیه برومند)، روزگار قریب (کیانوش عیاری)، میوه ممنوعه (حسن فتحی)، پس از باران (سعید سلطانی) و مدار صفر درجه (حسن فتحی)

و در بخش کودک و نوجوان؛ بازی خونه (رضا بابک)، مدرسه‌ی موش‌ها (مرضیه برومند)، خونه‌ی مادر بزرگه (مرضیه برومند)، قصه‌های مجید (کیومرث پوراحمد)، قصه‌های تا به تا - زی زی گولو (مرضیه برومند) و کلاه قرمزی و پسر خاله



(ایرج تهماسب و حمید جبلی)

و در بخش سریال‌های تولید شده در شبکه‌ی خانگی؛ سریال‌های قهوه‌ی تلخ (مهران مدیری) و شهرزاد اثر حسن فتحی دیده می‌شوند.

سریال «شهرزاد» بی‌گمان در حافظه‌ی جمعی ایرانیان می‌ماند و برای نسل‌های بعد تکرار می‌شود. در رمزگشایی چرایی موفقیت سریال شهرزاد، آن‌چه باید گفته شود در کتاب «تاریخ تحلیلی سریال‌های تلویزیونی در ایران» گفته شده، اما آن‌چه در این یادداشت کوتاه می‌توان به آن اشاره کرد، کاربرد هوشمندانه‌ی تمامی عناصر زیبایی شناختی در تار و پود متن است؛ متنی پیراسته و آراسته که در اوج پختگی دو نویسنده‌ی باتجربه نوشته شده و نمره‌ی خوبی تاکنون (قسمت دهم فصل دوم) از حتما ادیبان و نویسندگان سخت‌گیر دیرپسند گرفته که راضی کردن این گروه کار چندان آسانی نیست.

اولین ویژگی یک سریال خوب، گستره و دامنه‌ی مخاطبی است که در طیف‌های گوناگون جامعه‌ی چند قومی ایران پیدا می‌کند. این که سریالی بتواند هم روشنفکران، هنرمندان و منتقدان را جذب کند،



سربال‌های سلطان صاحبقران، هزارستان و روزگار قریب، نمونه‌های موفق و قابل قبولی از روایت‌های تصویری صادقانه از تاریخ معاصرند.

حسن فتحی در بازنمایی عواطف جمعی، نسبت به یک دوره‌ی حساس تاریخ معاصر، هوشمندانه و تأثیرگذار عمل کرده و به نوعی، شهرزاد، بازنمایی مناسبات شهری و اجتماعی دوره‌ی سوم تجددگرایی پایتخت نیز هست. تفریح و سرگرمی تنها یک جنبه از فیلم و سربال است، فیلم‌ها و سربال‌ها؛ بخصوص سربال‌های تاریخی باید در ارتقاء شعور اجتماعی، حافظه‌ی تاریخی، همبستگی قومی و تقویت فرهنگ بومی، محلی، منطقه‌ای و ملی تأثیر بگذارند.

بنابه گفته‌ی ناشران، کتاب فروشان و کتابدارها، همزمان با پخش شهرزاد، گرایش به خوانش تاریخ معاصر، بخصوص دوران مرتبط با وقایع سربال شهرزاد، افزایش چشمگیری داشته است. شهرزاد، در چارچوب شرایط موجود، سربالی وارسته و کم نقص است و فتحی ۳۵ سال اندوخته‌های تئاتری، سینمایی و تلویزیونی‌اش را یکجا در شهرزاد به نمایش گذاشته است.

حضور نغمه نمینی در کنار حسن فتحی، اتفاق و تجربه‌ی درس آموزی است که در صورت تداوم این هم‌نشینی و همکاری می‌توانیم شاهد آثار بهتری از این دو نویسنده‌ی پرمايه باشیم. کلام فیلم جز در مواردی که نویسندگان در بهره‌مندی از تمثیل، مثل، کنایه و دیگر بازی‌های زبانی، افراط می‌کنند، پخته

هم طیف‌های دیگر جامعه را، اتفاقی بزرگ در این عرصه است. وقت بررسی تطبیقی و مقایسه نیست اما دو سربال شهرزاد و معمای شاه بر یک بستر تاریخی مشخصی می‌گذرند؛ تماشای معمای شاه برای بیننده‌ی ایرانی آسان و رایگان است و برای دیدن شهرزاد باید وقت و هزینه‌ای را صرف کند تا دی‌وی‌دی یک قسمت را در اختیار بگیرد، با این وجود شهرزاد با اقبال و اشتیاق بیش‌تری از سوی تماشاگران مشتاق و منتظر رو به رو می‌شود!

در این نوشته، مجالسی برای تحلیل علت موفقیت یا عدم موفقیت سربال‌ها نیست اما بی‌طرفی در روایت‌های تاریخی، جذابیت بیش‌تری برای مردم دارد. محصول نگاه رسمی، جهت‌دار، سفارشی و ایدئولوژیک، بی‌گمان خلق شخصیت‌های قالبی و مصنوعی است؛ شخصیت‌هایی که نمی‌توانند با مخاطبان خود رابطه‌ی صمیمانه‌ای برقرار کنند. افزون بر این، از تنگنای ممیزی‌های سخت‌گیر رسمی و دولتی هم انتظار نمی‌رود شخصیت‌های مخلوق نویسندگان مستقل به آسانی عبور کنند. یکی از عناصر و مؤلفه‌های پایه‌ای ماندگاری یک سربال و شخصیت‌هایش در حافظه‌ی جمعی؛ بخصوص در روایت‌های تاریخی، مضامین اجتماعی و ترازوی‌های تاریخی و ملی است. مردم مابه تاریخ معاصر و خالقان صدیق و شریف این تاریخ پرمايه، علاقه دارند اما شبکه‌های تلویزیونی، یا به سراغ این تاریخ نرفته‌اند و یا اگر رفته‌اند، روایت صادقانه و هنرمندانه‌ای از آن ارائه نداده‌اند.



غیر خودی» را بردارند و اعتماد رو به افول هنرمندان و مردم را باز گردانند. مردم ما برای این رسانه، در برابر شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان فرامرزی هنوز کلمه‌ی «تلویزیون خودمون» را به کار می‌برند! این خودمون یک واژه نیست، یک سرمایه‌ی بزرگ ملی و معنوی است. مدیران باید قدر این سرمایه را بدانند؛ رسانه‌ای که متعلق به همه‌ی ایرانیان، با هر اندیشه، قومیت و اعتقاد و باور دینی است. امروزه مخاطبان شبکه‌های تلویزیونی به دو تاسه هزار کانال تلویزیونی دسترسی دارند و باشکته‌های داخلی هم برای همیشه عقد اخوت نبسته‌اند. سالهاست بخش زیادی از هنرمندان اصیل کشور، از رسانه‌ای که متعلق به خودشان است دور گردانده شده‌اند! اما اگر گردانندگان این رسانه به عطر نسیم تحول باور داشته باشند، هنوز دیر نیست.

و روان است و به زبان فارسی معیار عمق می‌بخشد و تقویت می‌کند. دیالوگ‌های شهرزاد، برخی واژه‌های از یاد رفته‌ی یک دوران تاریخی را به قلمرو زبان فارسی و گویش اصیل تهرانی بازمی‌گرداند و به بقا و استمرار آن کمک می‌کند.

در پایان، سریال شهرزاد را بهانه می‌کنم و به عنوان همکار دیروز و مخاطب گاه به گاهی دلسوز امروز، به مرکز تحقیقات، اداره کل پژوهش‌ها و دانشکده‌ی صدا و سیما، صمیمانه پیشنهاد می‌دهم با جسارت و بی‌طرفی، به نقد و تحلیل سریال‌های تلویزیونی (تولید داخلی و خارج سازمان) بپردازند و نتیجه‌ی نقدها و آسیب‌شناسی گروه‌های کارشناسی را

به مدیران سازمان گزارش کنند. صدای هر ملتی، رسانه‌اش است و مخاطب این رسانه اگر ریزش کند، دیگر کسی صدایش را نمی‌شنود و باز گرداندن مخاطب از دست رفته به رسانه، در زمانه‌ی ما کار آسانی نیست. سیاست‌گذاران این رسانه‌ی پرهزینه، باید در سیاست‌های برنامه‌سازی خود تجدیدنظر کنند. مرزهای بازدارنده و مخاطب‌گریز «خودی و





دماوندی‌ها و دیوان سالارهای درون ما



قسمت دوازدهم سریال «شهرزاد» باعث ایجاد بحث‌ها و نقدهای مختلفی درباره نوع رفتار خانواده دماوندی در قبال شیرین و تفاوت آن با رفتار دیوان سالارها شده است. برخی از مخاطبان نیز تلاش کرده‌اند که رفتارهای کاراکترهای مختلف در قبال رویدادها را، با شرایط واقعی مقایسه کنند. در دوازدهمین هفته‌نامه شهرزاد، بخشی از این نظرات را می‌خوانید. لازم به توضیح است که درج این مطالب، به معنای تایید همه محتوای آن نیست:

پریزادریاحی:

به طرز جالبی تصویر امروز شهر تو این قسمت دیده می‌شود. از خشونت و نزاع خیابانی تا ادیت و آزار دختر بی دفاع. شیرینی که به حریم زندگی شهرزاد وارد می‌شود و زندگی شهرزاد رو دچار تنش می‌کند. راننده تاکسی، چاقو به دست از شیرین و صابر می‌خواد از ماشینش پیاده شن چون دنبال دردرس نیست. نزاع خیابانی که شاید این روزها بارها در سطح شهر شاهدش هستیم. و نهایتاً قضاوت علیه دختر بی دفاعی که باید تاوان کرده‌های پدرش رو بده. هر جامعه‌ای گاهی از صابرهای بی‌گناه قاتل می‌سازه و بجورایی معصومیت‌شون روز از بین می‌بره و بهت زده‌شون

می‌کنه که چه راحت ممکنه آدم تو دنیای خشونت زده قاتل بشه.

نگاه شهرزاد و فرهاد به هاشم بعد از هفت تیر کشی، وقتی وجهه دیگه‌ای ازش رو به چشم دیدن پراز حرف بود. انگار روحشون ترک خورد شما هیچوقت دنبال خشونت نیستید ولی خشونت شما رو پیدا میکنه و خودش رو تو چشم تون فرو می‌کنه و مجبور تون می‌کنه بهش واکنش نشون بدید. مثل اتفاقات آخری که برای چند کودک بی‌گناه افتاد. هاشم می‌گه اگه نمی‌زدی می‌زدنت... مشکل جامعه چیه که قانون جنگل توش حکم فرماست، که اگه نکشی کشته میشی؟ از همه اینا گذشته، دلهره آورترین لحظه این

قسمت با اختلاف جایی بود که تیموری و قباد کنار هم از داغ مریم و شهرزاد حرف می‌زدند! تصاویر مریم و بابک ناخودآگاه او مد تو ذهنم و تصویر آینده‌ای که می‌تونه به همون اندازه خشن باشه!

محمدصادقی:

به نظرم مهمترین موضوعی که درباره قسمت‌های اخیر شهرزاد نمود داره، اینه که همه آدم‌ها میتونن امروز و فردای کاملاً متفاوتی رو تجربه کنن، امروز و فردایی که شرایط اجتماع و محیط پیرامونی برآشون میسازه و اون‌ها هم نقش‌هایی رو بازی می‌کنن، البته در بین آدم‌ها، شخصیت‌هایی مانند کارا کتر شهرزاد رو داریم که در رفتار و حرکاتش خیلی مضممه و یک مسیر ثابت رو طی می‌کنه اما واقعا همیشه آدم‌های دور و اطرافمون رو همیشه در سربال دید.

آدم‌هایی مثل قباد که دیدن که حاضرین برای رسیدن به هدف هاشون، دست به هر کاری بزنن؟ یا کسانی رو مثل شیرین سراغ نداریم که یک روز مال و مکت دارن و روز دیگه به هر دلیلی مثل ورشکستگی، از عرش به فرش میفتن و همه چیزشون رو از دست می‌دن، حتی دوستان و خانوادهشون؟ به نظرم اتفاقاً شخصیت شیرین خیلی شخصیت دقیقی هستست که ما به ازاهای زیادی دارم. نمونه‌اش رو میتونید توی دادگاه‌های خانواده ببینید. شهورز کیخوانی:

(با توجه به قسمت دوازدهم) به هیچ عنوان نمیشه این تحلیل رو پذیرفت که چون شیرین در فصل اول دختری با اخلاق تند و رفتار افاده‌ای بود، پس هر چیزی که داره سرش میاد حقیقه! به نظر من در قسمت دوازدهم کارگردان با نشان دادن صحنه‌های مهمانی و گرفتاری شیرین در کنار هم، سعی در نشان دادن بی‌تفاوتی کارکتر قباد و در عوض غیرت و مردانگی هاشم، فرهاد، صابر و حتی مرام و معرفت و روح بزرگ و باگذشت شهرزاد داشته.

حالا که علاقمندان سربال، رفتارهای همه کاراکترها از جمله قباد رو ریشه‌یابی می‌کنند و همه کارهای این کارکتر، حقانیت پیدا می‌کنند، بهتر هست کمی هم رفتارهای شیرین ریشه‌یابی شود که یک عمر بخاطر نازانی تحت فشار خانواده دیوان سالار بوده و بعد هم پدرش در حالی که خودش در خانه بود، مراسم ازواج هویوش را در همان خانه برگزار می‌کنند! سپس شوهرش هم که هیچ عاقله و عشقی بهش نداشته، عاشق هویوش می‌شود و جلب اینجاست که خود قباد هم اسیر یک عشق یکطرفه شده

و شهرزاد به محض رهایی از زندگی اجباری و تحمیلی به عشق اصلی‌اش می‌رسد عطیه محمدیان:

اگر بخوام از فضای طرفداری قباد و شهرزاد فاصله بگیرم، باید بگم که دو بخش از قسمت دوازدهم خیلی جالب بود. اول اینکه تغییر رفتار هاشم خان، توی این شرایط که قباد داره به هاشم خان فشار میاره و میخواد مال و منالش رو بگیره، هاشم خان می‌تونست از شیرین برای یه معامله خیلی خوب با قباد استفاده کنه. اینجوری قباد میتونست بدون دردسر، شیرین رو سر به نیست کنه. اما جمله هاشم خان خیلی کلیدی بود؛ اینکه یه عمری نمک بزرگ آقا رو خورده و حالا نمینازه نمکون بشکنه.

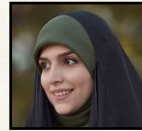
بخش جالب دیگه قسمت دوازدهم، ماجرای مهمونی و صحبت‌های شهاب حسینی و هومن برق نورد بود. از این جنبه که اولاً خانواده دماوندی با اینکه دارن همه چیز دست میدن باز هم کنار هم هستن ولی قباد همه چیز رو باخته و به مهمونی‌های اعیانی رو آورده. این تفاوت رفتار این دو خانواده، به نظرم از ریشه خانوادگی شون نشأت می‌گیره.

همین موضوع به نظرم نشون میده که چرا بزرگ آقا، حساب و کتاب تمام کاسبی خودش رو دست خاندان‌هایی مثل دماوندی سپرده. سما:

(با توجه به اتفاقاتی که در قسمت دوازدهم برای کاراکترهای مختلف رخ داده است) اگر همه درک کنن که در این سریال، همه دارن به نوعی یا عذاب میکشن یا احساس میشن خیلی قشنگ‌تره یکی عشق فرهاد و شهرزاد میپسندن این اصلا بد نیست، یکی عشق یکساله قباد رو بیشتر از عشق چندین ساله شهرزاد و فرهاد درک کرده‌انم بد نیست، یکی میگه چرا شهرزاد سمت بیجهاش نرفت اونم راست میگه. به نظرم بزرگترین ایراد رو باید به شخصیت خودمون بگیریم که انقدر غیر واقعی از یه شخصیت دفاع می‌کنیم، مگه میشه فقط فرهاد دوست داشتنی باشه و فقط عشق اون عشق باشه یا هر کی میگه قباد، حرفش حرف نباشه، مگه میشه فقط قباد خوب قصه و مظلوم داستان باشه؟ به نظرم باید در نقشه‌ها، دست از تعصب برداریم، مگه فوتباله؟ به عقیده من همون اندازه که عشق قباد قشنگه، عشق شهرزاد و فرهاد قشنگه، هر چند فرهاد و شهرزاد حقشونه عاشق باشن، قبادم حقشه عاشق بشه، هر چند قباد دلسوزی برآش به حق، فرهادم به حقه.



مجموعه‌ای از بهترین‌ها



مژده لواسانی / مجری تلویزیون و شاعر

از «شب دهم» و «مدار صفر درجه» تا «میوه ممنوعه»، و تمام سریال‌هایی که نام و نشان حسن فتحی را دارد، همین یک نام فقط، شاید مهمترین دلیل است که دل‌مان قرص شود به لذت تماشای اثری که در بستر عاشقانه، حرف‌های مهمی برای گفتن دارد... اثری که از سر دغدغه ساخته شده است و تمام اجزایش با دقت نظر و حساسیت بالا و حسن انتخاب حسن فتحی، درست کنار هم چیده شده‌اند... از فیلم نامه‌نویس و بازیگر تا آهنگساز و خواننده!

اثری که تو را همراه می‌کند، در گیر می‌کند و در وجودت ته‌نشین می‌شود... درست مثل «شهرزاد»... (که البته شخصاً به شدت فصل اولش را بیشتر دوست داشتم، و شاید آنقدر فصل اول درخشان بوده که توقع تمام مخاطبینش را بالاتر از پیش برده است) قصه‌ای که درست روایت می‌شود، عاشقانه‌ای که تو را پا به پای هر شخصیت عاشق می‌کند، دلگیر می‌کند، غمگین می‌کند، عصبانی می‌کند، خلاصه اینکه به بهترین شکل ممکن، همراه می‌کند! قصه عاشقانه‌ای که اتفاقاً در نشان دادن شرایط دوره تاریخی خودش هم موفق است و بازیگرانی که هر کدام بهترین انتخاب موجود برای آن شخصیت هستند و در ایفای آن نقش، قهرتمندانه عمل می‌کنند، از استاد نصیریان در فصل اول که نوعی از شاهکار بازیگری را به نمایش گذاشته بود تا فصل دوم و رویا نونهالی عزیز... برای من البته «شهرزاد» غیر از قصه عشقش که بسیار



و تلخ و شیرین و روزمرگی‌ها و دل‌مردگی‌های مان، گاهی ترانه‌های شهرزاد، می‌شود تنها دلخوشی! و من حالا، عمیقاً به این گفته معتقدم!

ترانه‌هایی که دلخوشی به پاییز زرد زمستون سرد ما شدند... با هر سلیقه‌ای که باشید، به نظرم دست کم یکی از این ترانه‌ها برایتان به شدت خوشایند خواهد بود: از «کجایی» و «خداحافظی تلخ» تا «کاش ندیده بودمت» که انگار گره می‌خورد به گوشه‌ای از زندگی ما!

این حتماً به همان هوش و دقت حسن فتحی برمی‌گردد که در ابتدای این یادداشت هم اشاره کردم. او از بازیگر تا خواننده، بهترین‌ها را برای سریال‌هایش انتخاب می‌کند و «شهرزاد» بدون تردید مجموعه‌ای از بهترین‌هاست!

جذاب است و درست روایت می‌شود و سریال را تبدیل به عاشقانه‌ترین مجموعه سال‌های اخیر کرده است، غیر از اینکه تو را در بزنگاه‌های تصمیم‌گیری بین مواضع عاشقانه و عاقلانه قرار می‌دهد و ذهنت را تا مدت‌ها درگیر می‌کند که تو در این میانه اگر بودی چه می‌کردی و حتی بازی بازیگران محبوبی مثل شهاب حسینی که جز درخشش توقعی از او نمی‌رود، و همه آنچه به آن اشاره کردم، با ترانه‌های محسن چاووشی خواستنی‌تر می‌شود!

ترانه‌های محسن چاووشی، با آن صدای زخمی و پاییزی به قدری درست انتخاب شده‌اند و بخش مهمی از بار انتقال حال و هوا و احساسات سریال را به دوش می‌کشد که قطعاً حلاوت تماشای «شهرزاد» را دوچندان می‌کند!

ارجاعتان می‌دهم، به روز اولی که قطعه «کجایی» منتشر شد و در همان دقایق اول همه را خاطر خواه خود کرد! «کجایی» نه تنها برای طرفداران چاووشی، که فکر می‌کنم برای اکثر کسانی که این ترانه را شنیدند، از همان لحظات اول انتشار، ترانه منتخب شد... «کجایی» با صدای پاییزی چاووشی، شاید انتخابی بود برای رفوی زخم‌هایمان!

دوستی می‌گفت بین همه اتفاقات عجیب و غریب





نصرت: بعضی
موقع‌ها
هیچ چیزی تو
دنیا دل‌گیرتر
و بدتر از جدا
افتادن از کسی
نیست که چهار
قبطه خاطر شو
می‌خوای.



بلقیس: گفتن
یه دیو سه
سره که اومده
توی خونه‌ما،
نصیب‌گرم
نشه که نصیب
ما شده، گفتن
اومده زندگی
برادرزاده‌ام رو
بپاشونه، چه
چیزا گفتن
دختر!
شهرزاد: همیشه
آدما از دور یه
شکلن از نزدیک
یه شکل دیگه.



شاپور: می‌دونی توچه
حسی به من
میدی؟ حس
یه زندانی که
همش دنبال
راه فراره!
ثریا: برای
اینکه هستیم؛
هم زندانی
هم دنبال راه
فرار!



شیرین: نرو، منو
تنها نذار، خواهش
می‌کنم... خواهش
می‌کنم...



وقتی به
نفر حاضر
میشه برای
کسی حتی از
جونش بگذره
یعنی هیچ
چشم‌داشتی
نداره، الا اینکه
اون طرفو خیلی
می‌خواد، وقتی
معلوم می‌شه
طرفو خیلی
می‌خواد، یعنی
خیلی قابل
اعتماد.



آگه بخواین
اذیتم کنین،
می‌دم آدمای
آقاچونم
پوستتون رو
بکنن!



شهرزاد از نگاه معلمان

شهرزاد؛ داستان عشق و دلدادگی

◀ سپیده حیدرآبادی

در ادامه دریافت نظرات قشرهای مختلف اجتماعی درباره سریال «شهرزاد»، هفته‌نامه این سریال نظرات معلمان را دریافت کرده است. در شماره دوازدهم هفته‌نامه، ۶ معلم نظراتشان را درباره مجموعه «شهرزاد» بیان کردند:

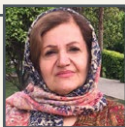


می‌کند که مردسالاری رواج زیادی داشته، شهروزاد دختری با تحصیلات عالی است که در نهایت ظرافت ابراز وجود می‌کند، در عین حال ایده‌هایش را به خوبی بیان می‌کند و احساساتش را انتقال می‌دهد.

در مجموع شهروزاد نمونه وفاداری و ایثار برای فرهاد (عشق) است. از نکات مثبت سریال این است که مخاطب در کمترین زمان ممکن با شخصیت‌های آن ارتباط برقرار می‌کند و قصه بسیار جذاب و رمانتیکی دارد. در واقع شهروزاد، یک ملودرام عشقی - تاریخی است، البته من شخصاً با تاریخ میانه خیلی خوبی ندارم اما تلفیق عشق در این داستان، تاریخ را هم بسیار جذاب کرده و این یکی از نقاط قوت سریال است.

به طور کلی سریال شهروزاد از استاندارد خوبی برخوردار است. سریال‌هایی که تلویزیون پخش می‌کند نکات مثبت دارد اما شاید عیب آن‌ها، این باشد که توقع مخاطب را در نظر نمی‌گیرد. مثلاً در بین برنامه‌هایی که قرار است مردم پسند باشند و با قشر بزرگتری از جامعه ارتباط برقرار کنند، کمتر زنی را پیدا می‌کنید که متغیر نباشد و شخصیت باارزی مثل شهروزاد داشته باشد. با توجه به شرایط تحصیلی مردم در آن تاریخ، مخصوصاً در مورد خانم‌ها، اینکه شهروزاد یک پزشک است، خصوصیت بسیار ممتازی برای یک زن محسوب می‌شود اما به نظر من شغل شهروزاد زیاد در داستان ملموس نیست و در حاشیه قرار گرفته است.

فاطمه ضیابخش (معلم اول ابتدایی)



در نگاه اول به نظر می‌رسد شهروزاد شخصیتی چندگانه دارد. او در عشق گاهی به سوی فرهاد است، گاهی به سوی قباد، لحظاتی مهرمادری و اوقاتی خشمگین از

فاطمه امیری (معلم دوم ابتدایی)

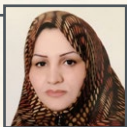


شهروزاد زنی منطقی، با دل و جرأت و رشد یافته است و در عین حال ظرافت و متانت زنانگی نیز در او دیده می‌شود. شهروزاد با تمام محدودیت‌هایی که در دوران پدربسالاری و مردسالاری دارد اما عاشق می‌شود و برای عشقش از خودگذشتگی می‌کند و با اراده بسیار با وجود دلشکستگی‌هایی که در زندگی برایش افتاده، با رهم به زندگی‌اش ادامه می‌دهد.

شهروزاد علاوه بر داستان عاشقانه‌اش، دیالوگ‌های بسیار زیبایی دارد که نقطه عطف سریال محسوب می‌شود. شهروزاد داستانی دارد که همه ما را یاد زمان‌های خاطره‌انگیز دوران نوجوانی‌مان می‌اندازد. دیالوگ‌های این سریال روشنفکرانه و قابل تأمل و در عین حال اصیل است. من دیالوگ‌های این سریال را خیلی دوست دارم و با شنیدن و فکر کردن به آنها، به ایرانی بودنم افتخار می‌کنم.

از سوی دیگر، به نظرم دلیل اصلی فروش و استقبال زیاد از سریال شهروزاد این است که از برخی خط قرمزهایی که در سریال‌های تلویزیونی وجود دارد، رد شده است. البته هیچ کجای این سریال غیر قانونی و غیر شرعی نیست اما مسلماً پخش آن در تلویزیون اعتراضات زیادی را به دنبال خواهد داشت. پزشک بودن شهروزاد، روشنفکر بودن و اراده قوی او را در این سریال نشان می‌دهد و گویا نویسنده این سریال قصد داشته شخصیت شهروزاد را از کوچک‌انگاری و ضعف در برابر بینندگان مصون دارد و عشق و ورزی و فداکاری‌اش را نزد مردم دوچندان کند.

نیره اکبریه (معلم ادبیات فارسی)



شهروزاد شخصیت بسیار پیچیده‌ای با فراز و فرود بسیار و یک بانوی عاقل، رشد یافته و منطقی است. با توجه به دوره زمانی که روایت





دیگر از گروه‌ها به خصوص دانش آموزان قابل فهم نیست. از این منظر سریال شهرزاد با وجود آنکه داستانش در مقطعی حساس از تاریخ معاصر روایت می‌شود، سعی کرده تا قصه خود را به شکلی ساده و روان بیان کند. نویسندگان فیلمنامه در حالیکه می‌توانستند در هنگام دیالوگ‌نویسی از کلمات ثقیلی استفاده کنند که در مقطع داستان رواج داشته و امروز دیگر رواج ندارد، اما اینکار را نکردند. همچنین وضعیت تاریخی و سیاسی دوران مصدق و بعد از آن، به صورت زیرلایه و در بطن داستان روایت شده است و با وجود پتانسیل‌های بسیار برای پررنگ کردن اتفاقات تاریخی، سازندگان عمداً این اتفاقات را کم‌رنگ نمایش داده‌اند.

در مرحله اجرا نیز علی‌رغم آنکه با توجه به روند پیشرفت داستان، در برخی سکانس‌ها این امکان وجود داشت که کارگردان از صحنه‌های خشن بیشتری استفاده کند و یا بعضاً نوع جنایت‌هایی که رخ می‌دهد را عریان‌تر نشان دهد، این اتفاق رخ نداده است. در واقع، کارگردان به صورت ماهرانه‌ای ضمن نمایش برخی جنایات، از نمایش رفتارهای لجام‌گسیخته خودداری کرده و همین امر موجب شده تا خانواده‌ها با خیالی آسوده اجازه تماشای سریال شهرزاد را به فرزندان خود بدهند.

اوضاع روزگار، اما به خوبی می‌داند که چگونه از پس مشکلات زندگی برآید و حتی در مواقعی به اطرافیان خود راهنمایی‌های خوبی می‌دهد.

آثار حسن فتحنی در مجموع قابل قبول و جذاب است و سریال شهرزاد هم یکی از آثار ماندگار و خوب اوست. اما داستان ملغمه‌ای از جنایات و مکافات و پشت پرده‌های زمانه خویش است که مخاطب را با افت و خیزهایی مواجه می‌کند. به نظرم هنر حسن فتحنی و نمایش جذاب سریال‌هایش ارزش هزینه را دارد، البته این نکته را هم باید در نظر داشته باشیم که خط قرمزهای شهرزاد قابل پخش در تلویزیون نبود.

حرفه پزشکی شهرزاد با توجه به دوره‌ای که او در آن زندگی می‌کند که خانم‌ها با محدودیت‌های زیادی مواجه بودند، جذاب است و نشان از مستقل بودن شخصیت او در زندگی فردی و اجتماعی‌اش دارد.

مجتبی مهدی‌زاده (معلم ریاضیات و آمار)

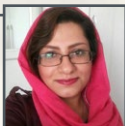


یکی از مشکلات بسیاری از محصولات نمایشی در ایران، این است که مفاهیم آن برای قشر خاصی از نظر سنی و تحصیلات قابل درک است و برای برخی



برنامه‌سازان رسانه ملی شود. عدم اقبال عمومی فیلم‌ها و سریال‌هایی که با تحریف واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، سعی در پیش بردن هدفی خاص دارند و استقبال گسترده از سریال شهرزاد در کنار یکی دو سریال موفق دیگر که همه از شبکه خانگی بخش می‌شوند، به خوبی نشان می‌دهد اگر برای مخاطب عام شخصیت و شعور قابل باشی، مخاطب هم با خرید هر قسمت، به خوبی به این احترام برنامه‌سازان واکنش نشان می‌دهد.

آرزو مشهدی (مدرس کامپیوتر)

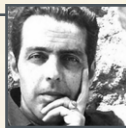


شهرزاد از نظر من شخصیتی بسیار قوی و فوق‌العاده دارد. بوزن قوی است که اجازه نمی‌دهد به خاطر زن بودنش به او جسارت شود و یا او را ضعیف بداند، این درحالیست که شهرزاد در زمانه‌ای زندگی می‌کند که زن را تنها موظف به رسیدگی به امور منزل می‌دانستند و اگر کسی با اطلاعات و آگاهی در قبال زندگی خودش و همسرش آگاهانه برخورد کند، از او می‌ترسیدند و او را سرکش می‌دانستند.

شهرزاد سریال بسیار خوبی است و داستان ریتم خوبی دارد و همین امر باعث می‌شود تا مخاطب خسته نشود و دوست داشته باشد آن را دنبال کند. این سریال، شخصیت پردازی فوق‌العاده‌ای دارد که باعث شده همه بتوانند با تک تک کاراکترها ارتباط برقرار کنند تا آنجا که حتی گاهی برای آنها دل می‌سوزانند و گاهی از آنها متنفر می‌شوند. همین امر باعث محبوبیت این سریال و همینطور بازیگران درجه یک با بازیهای فوق‌العاده آن شده است که به زیبایی توانستند با همه بیننده‌ها ارتباط برقرار کنند.

در سریال‌های تلویزیونی محدودیت‌های زیادی می‌بینیم اما در شهرزاد این محدودیت‌ها وجود ندارد و همین امر موجب جذاب‌تر شدن آن و در نتیجه، استقبال بیننده از سریال شده است. از نکات جالب دیگر شخصیت شهرزاد این است که در زمانه‌ای بسیار سخت، حرفه پزشکی را انتخاب کرده است و از پس آن به خوبی برآمده است.

مهران ماوایی (معلم زبان انگلیسی)



شهرزاد به خوبی نشان داده که اگر سریالی با صداقت برای مردم ساخته شود، مخاطب را جذب می‌کند. شخصیت پردازی‌های قوی به ویژه در مورد نقش‌های اصلی، ارجاعات تاریخی بدون اغراق، پیش بردن قصه شخصیت‌های فرعی در خدمت داستان اصلی، ایجاد حس تعلیق مناسب در مواقع لزوم بدون افتادن در دام اطناب، عدم استفاده از بازی مصنوعی کودکان که همیشه یکی از ضعف‌های این رسانه بوده، بازیگردانی عالی و همچنین حضور تیم مشاور رسانه‌ای قدرتمند و حرفه‌ای در کنار سایر عوامل حرفه‌ای، به تصویر کشیدن درامی سیاسی - عشقی بدون سیاست ورزی و قضاوت‌های تاریخی، روایت برّشی مهم از تاریخ پر التهاب ایران در کنار داستان عشق و دلدادگی و... همگی از ویژگی‌های مثبت این سریال محسوب می‌شود.

در کنار این موارد، نمایش زیاده خواهی مردم ایرانی در قامت قباد دیوانسالار که از فصل دوم، خود او و مخاطب هر دو می‌دانند در جایگاهی دروغین نثسته است و با تکیه بر قدرت سعی در بدست آوردن دوباره شخصیت محوری داستان دارد، از جمله نقاط عطف سریال است که به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت.

بازی‌های بسیار خوب و عالی همه بازیگران سریال، فارغ از وزن هر نقشی که دارند و وارد شدن شک‌هایی مثبت و گاه منفی به مخاطب با مرگ شخصیت‌های پر رنگ نیز به خوبی در این سریال دیده می‌شود. موسیقی عالی سریال در خدمت داستان است که البته بیشتر در عنوان بندی‌های آغاز و پایان جلوه دارد و در متن داستان، جای خالی حضور پر رنگ تر موسیقی متن، احساس می‌شود. و در نهایت کارگردانی هوشمندانه جناب آقای فتحی که مخاطبان حرفه‌ای را در کنار مخاطب عام به پیگیری داستان مجاب و علاقمند می‌کند. اینها همه در کنار عواملی هستند که باعث شده بعد از سریال‌های درخشان دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، بار دیگر شاهد حضور قدرتمند سریالی خوش ساخت در شبکه نمایش خانگی باشیم. طبیعی است که مخاطب آگاهانه یا ناخودآگاه دوست ندارد شعور وی با پیچه اهداف کلان

شهرزاد کم‌فروشی نمی‌کند



به روال مرسوم هفته‌نامه شهرزاد، بخشی از هر شماره به نظرات اهالی رسانه اختصاص دارد. در شماره دوازدهم، خبرنگاران حوزه تأثیر نظرات خود را درباره این سریال بیان کردند:



محمد رضا جعفری (همشهری جوان)

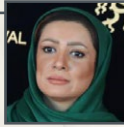


به دیدن فیلم‌های خارجی اولویت دارند، پیگیری سریال «شهرزاد» از اوچب واجبات است. حسن فتحی و گروهش در فصل اول نشان دادند که نه تنها رگ خواب مخاطب را می‌شناسند، بلکه می‌توانند استانداردهای ساخت سریال‌های شبکه نمایش خانگی را هم بالا ببرند. قرابت ذهنی نغمه ثمینی و حسن فتحی باعث ایجاد قصه‌ای

همین اول کار تکلیفم را مشخص کنم که من از طرفداران سریال شهرزادم و حتی برایم پیش آمده که قبل از دیدن قسمت جدید فصل هفتم سریال «بازی تاج و تخت»، فصل دوم شهرزاد را ببینم. خوب مسلم است برای منی که تماشای فیلم‌های ایرانی با تمام کم و کسری‌هایشان

بسیار امیدوارم جناب آقای فتحی و گروهش که ید طولایی در جذب مخاطب سختگیر دارند، در ادامه بتوانند طعمه دندان گیرتری به آب بیندازند و مجدداً قلب‌های ما را تسخیر کنند.

آروین موذن زاده (مهر)



«شهرزاد» تا امروز موفق‌ترین سریال شبکه

نمایش خانگی بوده است و در طول این سال‌ها شاید تنها مجموعه‌ای باشد که مخاطبانش هر هفته بدون دغدغه و با خیال راحت قسمت جدید آن را خریداری می‌کنند. برنامه‌ریزی دقیق، پروداکشن سنگین، عوامل حرفه‌ای و کاربلد، بازیگران محبوب، قصه پرکشش و مثلث عشقی جذابی که در حاشیه‌اش وقایع سیاسی اجتماعی دهه ۳۰ روایت می‌شود، باعث شده با وجود حاشیه‌هایی که در مقطعی از زمان گریبان‌گیر سریال شد، این مجموعه مقبول مخاطب واقع شود. با این وجود فصل دوم سریال نسبت به فصل اول از محبوبیت کمتری برخوردار است و این اتفاق شاید تا حدودی به دلیل فرود داستان و کم‌رنگ شدن بار دراماتیک قصه باشد اما بخش اعظم آن به دلیل انتظاری است که فصل اول سریال در مخاطبان به وجود آورده بود. فصل اول آنقدر موفق بود که مخاطبان چاره‌ای نداشتند انتظاری زیادتاز فصل دوم سریال داشته باشند.

نکته دیگر حذف شخصیت بزرگ آقا و منش و ابهتی است که حضورش به سریال می‌داد، چون با وجود اضافه شدن کاراکترهای جدید و پررنگ‌تر شدن حضور شخصیت‌های دیگر، همچنان کمبود این کاراکتر جذاب و پیچیده با بازی درخشان علی نصیریان احساس می‌شود.

البته همه می‌دانیم که این روزها دوران قهرمان‌پروری به سبک و سیاق گذشته به سر رسیده و فیلمسازان با بی‌رحمی تمام قهرمانان آثارشان را از داستان حذف می‌کنند اما این اتفاق در صورتی باعث اثر نمی‌شود که به جای آنها، شخصیت‌های قدرتمند دیگری جایگزینشان شوند،

پرکشش در یک دوره ملتهب تاریخی شده. در طول تاریخ سینما، فیلم‌هایی که به عشق در دوره‌های گذار پرداخته‌اند، غالباً آثاری شاخص و به یادماندنی شده‌اند. تیم تمینی - فتحی هم با توجه به شناخت خوبی که از تاریخ معاصر کشور دارند، روی اتفاقات برهه حساس دهه ۳۰ دست گذاشته‌اند تا هم از بستر پر تنش تاریخ کمک بگیرند و هم اینکه از میزبانی‌های احتمالی فرار کنند. تمام این‌ها را بگذارید در کنار کارگردانی کم‌نظیر و بازی‌های دیدنی بازیگران سریال. وقتی فصل اول با این کنش‌ها و واکنش‌ها به پایان رسید انتظار داشتیم با شروع طوفانی فصل دوم مواجه شوم و به سبک سریال‌های روز دنیا، با دهنانی باز و هوشی از سر پریده، سریال را دنبال کنم ولی زهی خیال باطل. شروع کم‌رمق و کم‌جان فصل دوم باعث شد توی ذوقم بخورد ولی همچنان قسمت‌ها را یکی از پس دیگری دنبال می‌کردم تا معجزه رخ بدهد. نه شعرخوانی عاشقانه فرهاد برای شهرزاد دلم را می‌لرزاند و نه اولدورم بولدورم‌های عمه بلقیس جگرم را حال می‌آورد؛ حتی قباد هم آن شخصیت باورپذیر قبل نیست. متأسفانه اضافه شدن امیر جعفری و رضا کیانیان در چند قسمت ابتدایی هم نتوانسته ضعف قصه‌پردازی فصل دوم را پوشش بدهد. البته بدون شک نمی‌شود نبود علی نصیریان در نقش بزرگ آقا را نادیده گرفت. نصیریان که مدت‌ها بود در چنین شاه‌نقشی ندرخشیده بود، با بهره‌گیری از تجربیات یک عمر بازیگری‌اش، در کالبد بزرگ آقا روحی دمید که کسی نتواند باورش نکند. بزرگ آقا دیوان‌سالار در عین قساوت و سنگدلی عواطف و مهربانی‌های پدرا نه هم داشت که تنها با ریزه‌کاری‌های یک بازیگر کارکشته قابل‌پذیرش از آب در می‌آید. در فصل دوم سریال قرار است کاراکترهایی مثل بلقیس، قباد و شاپور جایگاه پراهمت بزرگ آقا را پر کنند ولی هیچ کدام موفق نمی‌شوند. البته از حق نگذریم که در چند قسمت اخیر، سریال ریتم بهتری پیدا کرده و کنش و واکنش‌ها جذاب‌تر شده‌اند ولی متأسفانه ماهی‌ای که یک بار قلاب را رها کند، به این سادگی‌ها دم به تله نمی‌دهد. با این حال

مجموعه‌های دیگری که در این سال‌ها شاهدش بودیم، در ارایه اثرشان کم‌فروشی نمی‌کنند، به مخاطبشان احترام می‌گذارند و سریال‌شان را با انبوهی از تبلیغات و کلیپ‌های بی‌سر و ته و تکراری پر نمی‌کنند و مخاطب نیز در هر قسمت از سریال اطلاعاتی به دسته‌های قبلی‌اش اضافه می‌شود. منبع مقایسه فصل دوم «شهرزاد» فصل اول آن است نه مجموعه‌های دیگری با ویژگی‌های مشابه این کار و همین امر نشان می‌دهد که تولیدکنندگان اثر مسیرشان را درست انتخاب کرده‌اند.

ولی این اتفاق در فصل دوم «شهرزاد» نیفتاده و ورود شخصیت‌های جدید کمک زیادی به پیشبرد داستان نمی‌کند و علی‌رغم تلاش بازگران این نقش‌ها، آنها هنوز نتوانستند محبوبیت علی نصیریان را پیدا کنند. یکی از موارد دیگر، ازدواج شهرزاد و فرهاد در پایان فصل اول سریال است که همین امر تلاش قباد برای به دست آوردن شهرزاد را مذبوحانه و غیرطبیعی جلوه می‌دهد و جالب اینکه قباد به جای تلاش برای از سر راه برداشتن فرهاد که منطقی‌تر به نظر می‌رسد، بیشتر روی طلاق دادن شیرین مانور می‌دهد.

با این وجود و با تمام نقاط ضعف دیگری که ممکن است فصل دوم «شهرزاد» داشته باشد، اما این سریال همچنان بدون رقیب است و با اختلاف تا امروز بهترین مجموعه شبکه نمایش خانگی به حساب می‌آید. سازندگان این اثر برخلاف برخی



۱۱ قسمت فصل دوم خود نتوانست دنیای ذهنی مخاطبانش را در گیر فضای خود کند. کاری که حسن فتحی بی شک در آن استاد است.

فتحی انگار قصد دارد در این فصل از سریالش حرف‌های تازه‌تری بزند. او سعی دارد با نمایش فضای پرتلهاب دهه ۳۰، حرف‌هایی از جنس اواسط دهه‌ی ۱۳۹۶ را مطرح کند. یعنی دیالوگ‌های امروزی در فضایی دیروزی. اتفاقی که مجموعه‌ی کار را از فضای یک دست و روان خود در فصل اول دور کرده است. اما معتقدم حسن فتحی همیشه مهره‌ای در دست دارد که گاه با ارائه آن تو را میخکوب

خود می‌کند. من به توانایی این کارگردان محبوب باور دارم و چشم انتظار اتفاقات تازه بخش‌های بعدی این مجموعه هستم.

غزل نهانی (رادیو)



از فصل دوم شهرزاد زیاد شنیده و خوانده‌اید اما معتقدم این فصل هنوز شیرینی و جذابیت بخش اول را به مخاطب ارائه نکرده است. حذف چهره‌های تاثیر گذار در روند فیلمنامه، نبود منطق روایی داستان، اضافه شدن شخصیت‌هایی که تاثیر مهمی در روند داستانی نداشته‌اند و همه و همه دست به دست هم دادند تا شهرزاد موفقیت فصل اول خود را نداشته باشد. شاید با من موافق باشید که تشنگی دین سریال شهرزاد در فصل اول حالا میان مخاطبان کم رنگ شده است.

شهرزاد مثل پروژم‌های تلویزیونی حسن فتحی در فصل اول مخاطبش را پاهای خود برد اما این بار به مقصد نرساند و حتی در



قاب آینده

قسمت سیزدهم



شاپور می تواند از پس شهزاد بر بیاید؟



آبروزو بالاخره شاپور را به دام می اندازد یا قیاد را؟



شیرین باز هم در دارالمجاهدین؟



عمه اقیس می‌تواند اوضاع نابسامان دیوان سالارها را سر و سامان بدهد؟



هاشم خان دست در زبانه زور کرده است؟



عباسی دست‌نزد خدمت‌اش را می‌خواهد یا اقامت عاشق شیرین شده است؟





فصل اول
شهرزاد

عرضه قسمت سیزدهم: دوشنبه ۲۶ شهریور ماه

www.shahrazadseries.com